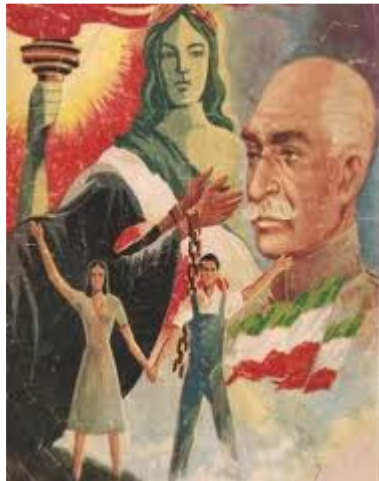

[تازه‌ها](#)
[جای](#)

«درباره فیلم مستند «رضاشاه»

آنچه که برخی از رسانه های جمهوری اسلامی از آن بنام «سونامی فیلم مستند رضاشاه» یاد کرده اند، نشانه‌ء علاقه‌ء نسل* جوان ایران به تاریخ این دوران و نمودار فروپاشی تفسیرهای ایدئولوژیک از تاریخ است. به عبارت دیگر: آن کس که دیروز، گویادر عرصه‌ء سیاست باخته بود، امروز در عرصه‌ء تاریخ پیروز شده است.

من نیز مستند «رضاشاه» را دیده‌ام. بطوری که درجائی گفته‌ام

متأسفانه بسیاری از روشنفکران و رهبران سیاسی ما تمام هوش و استعداد خود را در جهت ترویج و دفاع از دروغ‌هایی... بکار برده‌اند که نتیجه‌ء سیاسی آن را سرانجام با «انقلاب شکوهمند اسلامی»!! دیده‌ایم... امروزه می‌توان – و باید – با چشمانی باز و با ذهنیتی بی‌تعصب و آزاد، این گذشته‌ء نزدیک را دید، عناصر مثبت آنرا بررسی کرد و بکار بست و از عناصر منفی آن، دوری جست. بعد از آواز سهمگین سال‌های اخیر و پس از فروریختن دیوارها و دُگم‌های ایدئولوژیک، من فکر می‌کنم که ما باید بیش از پیش فروتن باشیم. هنگام آنست که ما با بررسی، شناخت و درک همه‌ء جنبه‌های تاریخ معاصر ایران، محدودیت‌ها و ممکنات آن دوره‌ها را بفهمیم و توقعات و آرزوهای امروزمان را بر شخصیت‌ها، حوادث و رویدادهای دیروز، سوار نکنیم. درک معتدل و مشترک از تاریخ، زمینه‌ء اساسی برای تفاهم و همبستگی ملی ما خواهد بود. من تردیدی ندارم که هم رضاشاه، هم مصدق، هم محمدرضا شاه، ایران را سربلند و آباد و آزاد می‌خواستند، اگر چه هر یک، راه و روش و اشتباهات و تناقضات خود را داشتند. رضاشاه نه تنها سازنده «ایران نوین» بلکه سازنده «انسان نوین ایرانی» بود. به عبارت دیگر: با نگاه به خواست‌ها و شعارهای متفکران عصر مشروطیت، می‌توان گفت که رضاشاه بسیاری از خواست‌ها و آرمان‌های ناکام جنبش مشروطیت را جامه‌ء عمل پوشاند.



رضاشاه، بعلت ساختار روستائی و محدودیت‌های تاریخی جامعه، اولویت را به تجدید اجتماعی و توسعه‌ء ملی و ایجاد یک زیربنای اقتصادی مدرن گذاشته بود. به همین جهت، به آزادی و استقرار دموکراسی بی‌توجه بود... رضاشاه نه آتاتورک بود و نه فارغ‌التحصیل دانشگاه «سوربن». او - بدرستی - فرزند زمانه‌ء خود بود، با همه‌ء ضعف‌ها، محدودیت‌ها، قدرت‌ها و کمبودها. به عبارت دیگر: او کسی بود که پائی در استبداد عصر قاجار داشت و پای دیگری در آینده‌ء تحولات و تغییرات اساسی. خصلت عمیقاً نظامی، پر تحکم و پر دیسیپلین رضاشاه، از او انسانی خشک و بی‌انعطاف و منضبط می‌ساخت که نه تنها هیچ درکی از آزادی و دموکراسی نداشت بلکه - اساساً - آزادی و دموکراسی را با هرج و مرج‌های سیاسی و آشفتگی‌های اجتماعی رایج، یکی می‌پنداشت. از این گذشته برخلاف نظر بسیاری، رضاشاه وقتی بقدرت رسید که از مشروطیت، چیزی جز نام، باقی نمانده بود و ایران، بین دو سنگ آسیاب قدرت‌های روس و انگلیس هر روز خردتر و ضعیف‌تر شده بود، آنچنانکه يك روز، دولت روسیه فلان امتیاز را می‌گرفت و روز دیگر دولت انگلیس خواستار بهمان امتیاز و قرارداد بود. بوقول یکی از دیپلمات‌های خارجی

مقیم ایران:

در واقع، ایران، ملک متروکی بود که به حراج گذاشته شده بود و هر قدرت خارجی که قیمت بیشتری می داد و یا تهدید» - «پرسروصداتری بکار می برد، می توانست آنرا از چنگ زمامداران فاسد قاجار بیرون آورد»

طرح این مسائل تاریخی در سال های سیطره ای ایدئولوژی های فریبا و سلطه «روشنفکران عوام» و «عوامان روشنفکر» بر رسانه های عمومی، بسیار دشوار و چپه بسابا انتقادات تندی همراه بود (درست همانند کتاب کوچک من درباره «[دکتر محمد مصدق](#)») اما اینک خوشحالم که مستند بغایت زیبایی «رضاشاه»، ضمن نشان دادن محدودیت های تاریخی و امکانات دوران رضاشاه، جایگاه برجسته وی در تاریخ معاصر ایران را بازگو کرده است، از این نظر به مسئولان تلویزیون «من و تو» و همه دست، اندرکاران این مستند دقیق و منصفانه تبریک می گویم

کلام فاخر، موسیقی متن و تصویرهای ناباب یا کمیاب به این مستند تاریخی ارزش و اهمیتی ممتاز داده است. یادیدن این مستند، بیننده در خواهد یافت که با وجود تبلیغات 80 ساله حزب توده و برخی از «روشنفکران همیشه طلبکار» علیه رضاشاه، حقیقت تاریخی روزی خود را به روشنی نشان خواهد داد. آنچه که برخی از رسانه های جمهوری اسلامی از آن بنام «سونامی فیلم مستند رضاشاه» یاد کرده اند، نشانه علاقه نسل جوان ایران به تاریخ این دوران و نمودار فروپاشی تفسیرهای ایدئولوژیک از تاریخ است. به عبارت دیگر:

آن کس که دیروز گویادر عرصه سیاست باخته بود، امروز در عرصه تاریخ پیروز شده است

م.ع

مستند «رضاشاه» از برآمدن و به قدرت رسیدن رضاخان آغاز می شود. از کودتای سوم اسفندماه ۱۲۹۹. زمانی که سرزمین ایران در یک بحران تمام عیار قرار داشت و شیرازه دولت مرکزی از هم گسسته بود. ایران در آن برهه از تاریخ نیازمند یک قدرت مرکزی بود و فردی مقتدر و لایق که بار دیگر یکپارچگی و استقلال را به ایران برگرداند. مستند «رضاشاه» از دوران وزارت و نخست وزیری رضاخان سردار سپه در سال های آخر قاجاریه می گوید. این که چه طور او ترجیح داد از فرماندهی ارتش به عرصه سیاست وارد شود و مدیریت و زمام امور را خود به دست گیرد. او حتی یکبار برای ایران، اعلام جمهوریت کرد که روحانیت و عموم نپذیرفتند. این که او چگونه به سلطنت رسید

مستند «رضاشاه» از پیشرفت ها و توسعه های ایران طی سال های سلطنت رضاشاه پهلوی می گوید. این که او چگونه به همراه دولت هایش، عقب ماندگی ایران از باقی جهان را در نیمه نخست قرن بیستم، طی کمتر از دو دهه جبران می کند و بالاخره مستند «رضاشاه» با مرگ او در تبعید پایان می پذیرد. تبعیدی ناخواسته به جزیره موریس و سپس ژوهانسبورگ که با آغاز جنگ دوم جهانی و اشغال ایران توسط نیروهای متفقین به وقوع پیوست و سرنوشتی تلخ برای او رقم زد.

<https://www.manoto1.com/videos/rezashah/vid3758>

در همین باره:

[!«حکومت رضاشاه و «دست انگلیسی ها»](#)

[نکاتی درباره دوران رضاشاه، علی میرفطروس](#)

[نارنمای علی میرفطروس](#)

[خبرخوان](#)